



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

**بررسی چهل سال رویکرد انقلاب اسلامی**

**به**

**موضوع فلسطین**



فرآورده های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مرجان شریفزاده

## ■ نکات برجسته

- ✓ جمهوری اسلامی ایران استراتژی پیرامونی بن گوریون را به چالش کشید. این استراتژی با کنار رفتن ایران از جرگه دوستان اسرائیل دچار ضربه اساسی شد.
- ✓ شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران از دو منظر بر موضوع فلسطین تأثیر گذاشت: وجه نظری و وجه عملی. در وجه نظری غالب شدن نگاه اسلام‌گرایانه به موضوع فلسطین و در وجه عملی شکل‌گیری مقاومت حزب‌الله و حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌های جهاد اسلامی و حماس نمود این تأثیر بودند.
- ✓ در یک نگاه کلی، رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۰۰ روند صعودی، و از سال ۲۰۰۰ به این سو روند نزولی داشته است. حتی فرآیندهایی همچون ساخت دیوار حائل (از سال ۲۰۰۳ تا کنون) و معامله قرن را می‌توان گواهی بر محدود شدن این رژیم، دست و پا زدن برای حفظ وضع موجود و عقب نشینی از رویای نیل تا فرات دانست.
- ✓ تهدید جبهه شمال و حضور جبهه مقاومت در سوریه و در شمال اراضی اشغالی، به عنوان ابر چالش رژیم صهیونیستی و تهدیدی بی سابقه برای این رژیم مطرح است. مرز مواجهه ایران و اسرائیل به جای مرزهای ایران و اطراف ایران به جولان رسیده است.
- ✓ موضوع فروپاشی از درون اسرائیل، واقعیتی است که حتی نهادهای ۱۶ گانه اطلاعاتی آمریکا هم به آن اذعان و عمر رژیم صهیونیستی را حدود ۲۰ سال دیگر برآورد کرده‌اند. این فروپاشی از درون، زوایا و ابعاد مختلفی دارد. برای مثال پست صهیونیست‌ها<sup>۱</sup> به‌عنوان بخشی از جامعه اسرائیل، با صهیونیست‌های اسرائیلی دچار واگرایی هستند و اساس افکار و اندیشه‌هایی را که مبنای شکل‌گیری اسرائیل بوده، مورد تشکیک قرار داده‌اند.
- ✓ کشورهای اروپایی منجمله آلمان، انگلیس و فرانسه اکنون از منتقدین اصلی رژیم صهیونیستی هستند. در اسپانیا بحث تعقیب سران اسرائیل به‌عنوان جنایتکار جنگی مطرح است. جمهوری اسلامی ایران باید همچون یک فرصت به این نقاط اشتراک با اروپایی‌ها در مخالفت با رژیم صهیونیستی بنگرد.
- ✓ مذاکرات کنونی حماس با رژیم صهیونیستی در قالب استراتژی گام به گام صورت می‌گیرد.

## ■ مقدمه و طرح مسئله

انقلاب اسلامی ایران از ابتدای پیروزی و حتی قبل از آن، نسبت به ماهیت رژیم صهیونیستی (در بیان دیدگاه‌ها و مواضع سران انقلاب) تعارض وجودی و رویکرد نفی‌گرایانه داشته است. می‌توان از سخنرانی مهم بنیان‌گذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی، یعنی ۱۳ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌عنوان نقطه عطفی در این زمینه یاد کرد. با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی در ایران، به یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های صهیونیست‌ها یعنی استراتژی پیرامونی (مبنی بر لزوم دوستی با کشورهای غیر عرب همجوار با همسایگان عرب هم‌مرز با اراضی اشغالی) آسیب جدی وارد و ایران از جمع دوستان رژیم

۱. پست صهیونیست‌ها، گروهی از دانشگاہیان، اندیشمندان و نخبگان جامعه اسرائیل هستند که روایت‌های صهیونیست‌های اسرائیلی و تاریخ سازی‌های آنان را در مورد ارض موعود قبول ندارند.

صهیونیستی خارج گشت. این رویداد، سرآغاز شکل‌گیری رویکردها و تحولات جدیدی در قبال رژیم صهیونیستی در منطقه، جهان اسلام و سراسر دنیا بود. بر این اساس پرسش اصلی این پژوهش در خصوص چیستی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر موضوع فلسطین و رژیم صهیونیستی است.

برای تبیین دقیق‌تر موضوع، سؤالات فرعی طرح شده‌اند که عبارتند از:

- مبنای رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به موضوع فلسطین چیست؟

- رویکرد چهل ساله جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی، چه چالش‌های امنیتی را برای این رژیم ایجاد کرده است؟

اطلاعات این پژوهش از طریق مصاحبه عمیق با کارشناس مسائل فلسطین دکتر «سلیمان رضوی» معاون پژوهشی مؤسسه ندا جمع‌آوری

شده؛ همچنین با بهره‌گیری از مقالات و سایت‌های فبرری و تملیلی معتبر، در بیان برفی نکات توضیحات تکمیلی آورده شده است.

## ■ محورهای اصلی پژوهش

- مبنای رویکرد نفی‌گرایانه انقلاب اسلامی ایران به رژیم صهیونیستی

- تأثیرات نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران بر موضوع فلسطین و رژیم صهیونیستی

- چالش‌هایی که ایران به صورت مستقیم یا در قالب محور مقاومت برای اسرائیل ایجاد کرده است

- سیر صعودی و نزولی رژیم صهیونیستی از ۱۹۴۸ تا امروز

- پاسخ‌هایی برای تعارض میان موضوع افول اسرائیل و معامله قرن، گرایش حکومت‌های عربی به اسرائیل و مذاکره حماس با اسرائیل

## ■ مبنای رویکرد انقلاب اسلامی ایران به موضوع فلسطین

هر چند انقلاب اسلامی ایران چهل ساله است ولی عمر رژیم صهیونیستی هفتاد ساله است. اگر تأسیس این رژیم را سال ۱۹۴۸ بدانیم، از سال ۱۹۲۰ که سیستم قیمومیت انگلستان بر فلسطین از طریق جامعه ملل شروع شد، پروژه یهودی‌سازی فلسطین که قبل از آن شروع شده بود، شکل عملیاتی‌تری به خود گرفت. در مقابل ورودهای دسته جمعی یهودیان از اقصی نقاط جهان به فلسطین قیام‌های فلسطینیان برپا شد. قیام‌های «براق» (۱۹۲۹)، «یافا» (۱۹۳۱)، قیام «شیخ عزالدین قسام» (۱۹۳۶-۱۹۳۹) مربوط به این دوران است. نتیجه اینکه این موضوع بیش از هفتاد سال قدمت دارد. به سبب برخوردهای فلسطینیان با ورود دسته جمعی یهودیان و زدوخوردهایی که با انگلیسی‌ها به عنوان حاکم فلسطین و با یهودیان به عنوان قوم اشغالگر داشتند. هر چند در آن زمان رسانه‌ها به شکل امروزی فعالیت نداشتند، اما انتقال اخبار، سبب برانگیختن واکنش‌های کشورهای و ملت‌های دیگر می‌شد. یکی از این نقاط هم ایران بود که قبل از انقلاب، سخنرانی

مهم امام خمینی(ره) در خصوص اشغال فلسطین در سال ۱۳۴۲، یک نقطه عطف در این زمینه محسوب می‌شود. این سخنرانی سیزده سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ۵۵ سال پیش از امروز ایراد شد. در آن زمان نگاه به موضوع، از زاویه دینی و بر مبنای "آیه نغی سبیل" صورت می‌گرفت؛ مبنی بر اینکه چرا بر یک جامعه مسلمان اسلامی (فلسطین)، غیر مسلمان باید حاکم باشد. و حدیثی که از حضرت رسول منقول است مبنی بر اینکه: "اگر مسلمانی صدای استغاثه مسلمانی دیگر را بشنود و پاسخ نگوید، مسلمان نیست"؛ بر این اساس وظیفه دیده شد که ما هم به فلسطینیان مظلوم کمک کنیم. یا صوت معروف شهید مطهری دربارهٔ مظلومیت مردم فلسطین در عاشورای سال ۱۳۴۸ که بر حسب وظیفه دینی، اسلامی و انسانی به این قضیه اعتراض داشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی، تحول اساسی در نگاه به موضوع ایجاد شد. اولین سفارتی که در تهران بسته شد، سفارت اسرائیل واقع در میدان فلسطین بود که تحویل فلسطینی‌ها شد. خود اسرائیلی‌ها دیدند که لبه تیز شعارهای انقلابیون متوجه آنهاست.

### ■ تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر رژیم صهیونیستی و نوع نگاه به این رژیم

فارغ از شعارهای مرسوم، بر اساس واقعیات موجود می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران بر موضوع فلسطین از دو جنبه تأثیر داشت: تأثیر تئوریک و تأثیر عملی

#### الف - وجه نظری

نوع نگاه انقلاب اسلامی به موضوع، قضیه فلسطین را متحول کرد. با مراجعه به تاریخ فلسطین می‌توان دید در سال‌های جنگ جهانی دوم به بعد تا زمان فروپاشی شوروی (حدود ۴۰ سال)، دو بلوک شرق و غرب بر نظام بین‌المللی حاکم بودند که همه عرصه‌ها از جمله فلسطین را متأثر کرده بودند. در آن زمان در فلسطین دو گروه مبارز واقعی وجود داشت:

- ۱- چپ‌گراها که عمدتاً «جبهه دموکراتیک آزادی فلسطین» و «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» و متأثر از دیدگاه‌های چپ‌گرایانه بودند.
- ۲- ملی‌گراها که «جنبش فتح» و «یاسر عرفات» اصلی‌ترین نماینده آن بودند و اعتقاد به مبارزه با اسرائیل را از زاویه ناسیونالیستی خود پی می‌گرفتند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایده و نگاه جدیدی به مبارزه با اسرائیل بخشید. در سال ۱۹۸۷ یعنی هشت سال بعد از پیروزی انقلاب ایران، انتفاضه اول فلسطینی‌ها شکل گرفت. این انتفاضه سبب شد نگاه اسلامی برخلاف کل تاریخ چندین ساله پیش از آن به موضوع فلسطین، که (یا چپ‌گرایانه یا ملی‌گرایانه) بود، از این تاریخ به بعد اسلام‌گرایانه شد. دیگر جنبش فتح یا جبهه خلق یا جبهه دموکراتیک در فلسطین همه کاره نبود بلکه «حماس» و «جهاد اسلامی» نیز در این انتفاضه وارد عرصه شدند، اعلام موجودیت کردند و با نگاه اسلامی به میدان آمدند. بخش اعظمی از این نگاه اسلامی متأثر از انقلاب ایران است. «فتحی شقاقی» (بنیان‌گذار جنبش جهاد اسلامی) در کتاب خود می‌نویسد: امام خمینی(ره) راه حل بدیل. یعنی انقلاب اسلامی ایران و روش و منش مبارزه در ایران است که می‌تواند ما را در فلسطین کمک کند.

آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۹۷۹، سبب شد اولویت نخست انقلاب ایران متوجه این جنگ تحمیلی شود.<sup>۱</sup> هرچند ایران در زمان جنگ، دچار مشکلاتی بود، اما همچنان بر موضوع فلسطین تأثیر خود را داشت.

## ب- بُعد عملی

تنها به عنوان یک نمونه، می‌توان تأسیس حزب‌الله لبنان را در سال ۱۹۸۲ (یعنی سه سال بعد از پیروزی انقلاب) تأثیر عملی انقلاب ایران بر موضوع فلسطین ذکر کرد. از آنجا که جنبش «امل» با نگاه تقریباً اخوانی، اصلاحی و غیرمبارزاتی‌اش نمی‌توانست در مبارزه با اسرائیل راه به جایی برد، پس سید عباس موسوی، سیدحسن نصر... و عده‌ای دیگر از امل جدا شدند و حزب‌الله را تشکیل دادند؛ ایران هم کمک فراوانی به آنها کرد و به تدریج حزب‌الله آن شد که در جنگ ۳۳ روزه در برابر اسرائیل به پیروزی رسید. اسرائیل که در جنگ ۱۹۶۷ در عرض شش روز صحرای سینا، بلندی‌های جولان، کرانه باختری و نوار غزه را اشغال کرد و تقریباً کشورهای عربی را در عرض شش روز شکست داد، در جنگ ۳۳ روزه عملاً زمین‌گیر شد. کمترین دستاورد حزب‌الله لبنان از سی و سه روز مقاومت همین بود که آنچه اسرائیلی‌ها در ابتدا وعده داده بودند (ما اسرای اسرائیلی را آزاد خواهیم کرد، سیدحسن نصرالله را زنده یا مرده می‌گیریم و...) هیچ کدام به نتیجه نرسیدند. اما در «ضاحیه» (بخش شیعه نشین بیروت) ویرانی و خرابی به بار آوردند. بعد اصطلاح "استراتژی ضاحیه" را درست کردند یعنی به نوار غزه خواهیم رفت و استراتژی ضاحیه را هم در آنجا پیاده خواهیم کرد یعنی مثل ضاحیه آنجا را هم با خاک یکسان خواهیم کرد. اما نتوانستند به اهداف از پیش تعیین کرده خود برسند. علی‌ایحال حزب‌الله لبنان (اگرچه شیعه است)، خود به الگویی برای فلسطینی‌ها تبدیل شد. فلسطینی‌ها دیدند می‌شود مثل حزب‌الله مقاومت کرد و اسرائیل را شکست داد. در سال ۲۰۰۵ عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه را داریم. چون «شارون» دید نمی‌تواند در نوار غزه حریف فلسطینی‌ها شود، حدود هشت هزار شهرک نشین را از ۱۸ شهرک صهیونیستی در نوار غزه تخلیه کرد. این نتیجه الگوگیری از انقلاب ایران و الگوگیری از حزب‌الله لبنان و تأثیرات انقلاب ایران بر موضوع فلسطین بود.

### ■ چالش‌هایی که ایران به صورت مستقیم یا در قالب محور مقاومت برای اسرائیل ایجاد کرده است:

۱- انقلاب ایران استراتژی پیرامونی بن‌گوریون را به چالش کشید. این استراتژی با خروج ایران از جرگه دوستان اسرائیل (کشورهای غیرعرب و رای همسایگان عرب اسرائیل یعنی ایران، ترکیه، اتیوپی و سومالی) دچار ضربه اساسی شد. ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، از دوست اسرائیل به دشمن اسرائیل تبدیل شد. این اولین چالش برای اسرائیل بود. در تحریم نفتی ۱۹۷۳، که کشورهای عربی از جمله عربستان، دنیای حامی اسرائیل را تحریم کردند، اما ایران نه تنها تحریم نکرد، بلکه به اسرائیل کمک هم کرد و هم نفت داد. ایران و اسرائیل روابط رسمی داشتند، شناسایی دو فاکتور وجود داشت و رفت و آمدهای دیپلماتیک در جریان بود. به ویژه روابط اطلاعاتی، امنیتی و نظامی در سطح بالایی وجود داشت.<sup>۲</sup>

۱. به همین دلیل اسرائیل همواره از درگیری کشورها و گروه‌های اسلامی در جهان اسلام احساس رضایت دارد؛ چرا که منابع یک کشور کمک کننده مالی به فلسطین، صرف جاهای دیگر می‌شود؛ همچنانکه تا زمانی که جنگ سوریه در جریان بود، اسرائیلی‌ها آسوده بودند اما با از میان رفتن داعش، حملات اسرائیل به ایران و حزب... و ارتش سوریه آغاز شد.

۲. معمولاً دو کشور زمانی روابط اطلاعاتی نظامی دارند که روابط دیگر را پشت سر گذاشته باشند.

۲- نگاه سران انقلاب اسلامی به موضوع فلسطین دومین چالش بود. شعارها و ایده‌هایی که انقلاب ایران بر آن استوار بود، دیدگاه‌های امام خمینی در مورد غده سرطانی بودن و اینکه هر یک از مسلمانان یک سطل آب بریزند، اگر متحد شوند می‌توانند اسرائیل را از بین ببرند، و ایده‌هایی که بزرگان انقلاب سعی می‌کردند در قالب طرح‌ها و گروه‌های مخالف و مبارز علیه اسرائیل، عملیاتی کنند. حتی «یاسر عرفات» (هرچند بعدها تن به سازش داد و به مذاکرات اسلو پیوست) اولین شخصیت خارجی بود که به دیدار امام خمینی آمد.

۳- گروه‌های متأثر از انقلاب ایران یعنی «جهاد اسلامی»، «حماس» (تا حدی)، حزب‌الله لبنان و گروه‌های ده گانه‌ای که طی مذاکرات «اسلو» شکل گرفتند، چالش بعدی رژیم صهیونیستی بودند. در جریان مذاکرات اسلو و در تقابل با روند سازش، موجودیتی به نام گروه‌های ده گانه متشکل از حماس، جهاد اسلامی و گروه‌های دیگر، زیر چتر ایران متحد شدند.

۴- استقرار جبهه مقاومت در شمال اراضی اشغالی چالش مهم بعدی است. صهیونیست‌ها قبلاً فقط از تهدید حزب‌الله سخن می‌گفتند اما الان سخن از تهدید جبهه شمال می‌گویند یعنی سوریه (جولان) و لبنان؛ در حالیکه تا قبل از این تحولات، چنین چیزی در مخیله آنها نمی‌گنجید و مرز جولان و جبهه سوریه را برای خودشان آرام‌ترین و امن‌ترین مرز می‌دانستند. اخیراً «یوسی کوهن» رئیس موساد گفته: بزرگترین خطر برای ما، ایران و حزب‌الله است که در سوریه هستند.

۵- چالش‌های فرهنگی مثل عملکرد ورزشکاران مسلمان که در عرصه‌های ورزشی، میدان مقابله با اسرائیل را ترک می‌کنند و این به الگویی برای همه ورزشکاران تبدیل شده است. ترک کردن میدان برای پرهیز از مواجهه و رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی تنها مختصر ورزشکاران ایرانی نیست و در این زمینه الگوسازی شده است.

۶- چالش رسانه‌ای هم از دیگر چالش‌هایی است که متأثر از جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است. اتحادیه رسانه‌های جهان اسلام، برای مقابله با صهیونیست‌ها یک هماهنگی حداقلی دارند.

## ■ صعود و نزول رژیم صهیونیستی درون اراضی اشغالی

می‌توان برای رژیم صهیونیستی از ابتدای شکل‌گیری تا کنون، یک روند صعودی و نزولی ترسیم کرد. روند صعودی این رژیم از سال ۱۹۴۸ شروع شد و تا سال ۲۰۰۰ ادامه داشت. اما از سال ۲۰۰۰ به این سو روند نزولی اسرائیل آغاز شده است.

### ❖ روند صعود اسرائیل

رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ اعلام استقلال کرد و بعد از جنگ اول با اعراب، حدود ۸۰ درصد فلسطین را تصرف کرد. به عبارتی از صفر به ۸۰ درصد رسید. در جنگ ۱۹۵۶ نیز اسرائیل به اعتماد به نفس زیادی دست یافت. چراکه پیروزی نظامی ارتش اسرائیل در این جنگ چشمگیر بود. رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۹۶۷ بقیه کرانه باختری، نوار غزه و جولان را هم گرفت و توسعه ارضی داشت. در ۱۹۷۳ مصر و سوریه درگیری نظامی را با هدف پس‌گیری اراضی خود شروع کردند اما موفق نشدند و اسرائیل سر جای خود بود. در ۱۹۸۲ اسرائیلی‌ها وارد لبنان

۱. سه‌شنبه (۹۷/۸/۱)

۲- عبدالحمید تارخ؛ جنگ سال ۱۹۵۶ کانال سوئز؛ تارنمای نظامی جنگاوران؛ [jangavarani.ir](http://jangavarani.ir) تاریخ بازبینی: ۱۳۹۷/۸/۲

شدند و برای مقابله با گروه‌های فلسطینی به ویژه عرفات و اطرافیان، تا بیروت هم پیش رفتند؛ از ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰ به مدت ۱۸ سال این منطقه در اختیار آنها بود.

## ❖ روند افول اسرائیل

۱- در سال ۲۰۰۰ یکی از شعارهای اصلی «یهود باراک»، وعده به رأی دهندگان اسرائیلی برای عقب نشینی از جنوب لبنان بود. چرا که اسرائیلی‌های زیادی در جنوب لبنان توسط حزب‌الله کشته شدند؛ حتی درون خود اسرائیل در اعتراض به کشته شدن سربازان به سبب اشغال اراضی کشورهای دیگر، جنبشی به نام «چهارماداران»<sup>۱</sup> به راه افتاد. پس در این سال عقب نشینی آنها از جنوب لبنان شروع شد.

۲- در سال ۲۰۰۵ عقب نشینی صهیونیست‌ها از نوار غزه شروع شد؛ هشت هزار شهرک نشین در ۱۸ شهرک صهیونیستی در نوار غزه ۳۶۵ کیلومتری ساکن بودند اما مجبور به تخلیه آنها شدند.

۳- در سال ۲۰۰۶ شکست اسرائیل از حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه، سومین مصداق افول رژیم صهیونیستی است.

۴- چهارمین نمود نزول اسرائیل نبردهای ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ در نوار غزه است. اسرائیل در این جنگ‌ها با هدف نابودی حماس ویرانی‌هایی در نوار غزه به بار آورد اما حماس هر بار با قدرت بیشتری حاکم شد.

هم اکنون یکی از بحث‌های روز این است که آیا اسرائیل به نوار غزه حمله خواهد کرد یا نه؟ عده‌ای می‌گویند بله چرا که نتانیاهو به اطراف نوار غزه رفته، به ارتش و صهیونیست‌ها اعلام آماده باش داده و سلاح‌های سنگین را در مرز نوار غزه مستقر کرده است. اما در مقابل، بسیاری بر این باورند که اسرائیل جرأت حمله ندارد چرا که: هفته پیش یک موشک از نوار غزه به «بئرالسبع» در جنوب فلسطین اشغالی شلیک شد؛ این موضوع این گونه تحلیل شد که یک موشک زدند و تقریباً به هدف خورد. تا پیش از این، این تصور وجود داشت که حزب‌الله ۱۵۰ هزار موشک دقیق و نقطه زن دارد، اما حماس و نوار غزه‌ای‌ها موشک ندارند. اما الان که می‌بینند آنها هم موشک دارند، در کابینه دولت اسرائیل بین اعضای امنیتی بر سر این موضوع اختلاف نظر هست که آیا حمله بکنند یا نکنند؟

واقعیت این است که بحث نیل تا فرات صهیونیست‌ها تنها شعار نبود بلکه آنها در پی توسعه ارضی خود بودند. صهیونیست‌ها سال ۲۰۰۳ شروع به احداث دیوار حائل (دیوار امنیتی) کردند. یعنی درون کرانه باختری دیوارکشی و شهرک‌ها را به اراضی ۱۹۴۸ منضم کرده و باقی را به فلسطینی‌ها اختصاص داده‌اند. این اقدام مورد اعتراض بسیاری قرار گرفت چرا که دیوارکشی به معنای چشم پوشی از باقی اراضی اشغال شده بود. به عبارت دیگر صهیونیست‌هایی که زمانی در سودای نیل تا فرات بودند، اکنون از این ایده که یهودیه و سامریه تماماً متعلق به صهیونیست‌ها است، عقب نشینی می‌کنند.

حتی دوبار در سازمان ملل در مورد دیوار حائل علیه اسرائیل رأی‌گیری شد؛ این موضوع در دادگاه لاهه هم مطرح شد و از ۱۵ قاضی، ۱۴ نفر علیه اسرائیل رأی دادند که به لحاظ حقوقی برای اسرائیل تبعاتی داشته است. پس از سال ۲۰۰۰ به این سو، روند افول و نزول اسرائیل را داریم و مهم‌تر از آن موضوع جبهه شمال و حضور جبهه مقاومت در سوریه است، که به عنوان ابر چالش اسرائیل است که تاکنون با چنین چالشی مواجه نبودند. آنها دنبال این بودند که ایران را در اطراف مرزهایش کنترل کنند، بدین منظور در کردستان عراق سرمایه گذاری کردند تا اسرائیل جدیدی درست کنند؛ دنبال این بودند که در اهواز، سیستان و بلوچستان ایران را مهار کنند، اما الان ایران و حزب‌الله تا لب مرزهای اسرائیل و جولان رسیده‌اند و مرز مواجهه ایران و اسرائیل، به جای مرز ایران و اطراف ایران، به جولان

۱- جنبشی که در دهه ۱۹۹۰ در اسرائیل به راه افتاد و خواستار عقب نشینی ارتش اسرائیل از لبنان بود؛ منبع: نسخه فارسی ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی لوموند دیپلماتیک؛ نوامبر ۲۰۱۷

رسیده است. هرچند تحولات منطقه‌ای طبیعتاً سود فراوانی به آنها رسانده؛ درگیری‌ها در عراق، سوریه، مصر، یمن، عربستان، بحرین و مجموع نزاع‌های درونی کشورهای اسلامی سبب شد تا اسرائیل به ویژه در خصوص سوریه نفس راحتی بکشد، اما در یکی دو سال اخیر با فروکش کردن بحث داعش، معادله‌ای که اسرائیلی‌ها در مورد سوریه می‌خواستند به ضرر آنها تمام شد و الان بزرگترین چالش برای اسرائیلی‌ها بحث سوریه و جبهه شمال است.

## ■ معامله قرن و افول اسرائیل

موضوع معامله قرن نیز به نوعی دست و پا زدن اسرائیل برای حفظ وضع موجود است. هرچند عملاً بیت المقدس در اختیار اسرائیل است و الان کسی نمی‌تواند به راحتی از کرانه باختری وارد بیت المقدس شود، اما تلاش اسرائیل برای این است که در عرصه بین‌المللی «قدس به عنوان پایتخت صهیونیست‌ها به رسمیت شناخته شود» و کشورهای دیگر سفارتخانه‌های خود را به قدس منتقل کنند. در حال حاضر به جز سفارت آمریکا، پاراگوئه<sup>۱</sup>، گواتمالا و یکی دو کشور دیگر، همه کشورهای سفارتخانه‌هایشان در تل‌آویو است. اما کنست و دوائر حکومتی اسرائیل عملاً در قدس غربی قرار دارند. اما صهیونیست‌ها با طرح معامله قرن می‌خواهند به دنیا بگویند مرا به رسمیت بشناسید، به قدس بیایید و سفارت خود را اینجا برپا کنید. که البته تا الان ناموفق بوده‌اند.

## ■ نزدیکی کشورهای عربی به اسرائیل و افول اسرائیل

این موضوع هم در راستای تلاش اسرائیل برای حفظ وضع موجود قابل تفسیر است. مهم‌ترین کشور عربی، عربستان است که گرچه اسرائیلی‌ها در مورد آنها توفیقاتی هم داشته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد این موضوع حتی درون جامعه عربستان هم با مخالفت و مقاومت مواجه باشد. هرچند «محمد بن سلمان» و «ملک سلمان» در آغاز معامله قرن را قبول کردند اما عملاً تن به آن نداده‌اند. چرا که عربستان جامعه‌ای مسلمان و مخالف با اسرائیل است و نمی‌تواند به این راحتی به معامله قرن تن دهند. اساساً معامله قرن هنوز پس از گذشت چند ماه رسماً اعلام نشده است. چرا که عربستان، اردن، ترکیه و مصر از معامله قرن حمایت نکردند و آمریکا و اسرائیل نتوانستند موافق درست و حسابی برای آن پیدا کنند. این یعنی اسرائیلی‌ها در جلب حمایت کشورهای منطقه مشکل دارند. به عبارتی نتوانستند دوستی خود را با عربستان به سطحی برسانند که اینجا از مواهب آن استفاده کنند. آنها نتوانستند شرایط خود را طوری تثبیت کنند که معامله قرن را اعلام کنند.

## ■ مذاکره حماس با اسرائیل و افول اسرائیل

جنبش حماس در یک دوگانگی قرار دارد. حماس از یک سو یک جنبش مقاومت است و از یک طرف دولتی است که مسئول تأمین نان و امنیت حدود دو میلیون فلسطینی است و نمی‌تواند فقط به موشک زدن بیندیشد؛ حماس از یک سو باید مردم غزه را مدیریت کند و از سوی دیگر می‌خواهد روی اساس مقاومتی خود بماند؛ از یک طرف با اسرائیلی‌ها مذاکره می‌کند و وعده می‌دهد که با رفع محاصره، راهپیمایی‌های بازگشت را متوقف می‌کند، و از سوی دیگر به گروه‌های فلسطینی چراغ سبز نشان

۱. در ماه می ۲۰۱۸ پس از انتقال سفارتخانه‌های آمریکا و گواتمالا به قدس اشغالی، پاراگوئه سفارت خود را از تل‌آویو به قدس منتقل کرد اما روز چهارشنبه پنجم سپتامبر تصمیم خود را تغییر داد. رئیس‌جمهور جدید پاراگوئه دیدگاه‌های متفاوت با رئیس‌جمهور قبلی دارد. منبع: پارس تودی، ۹۷/۶/۱۶



می‌دهد که ضربه‌های اسرائیل را با چند ضربه پاسخ دهند. طبیعتاً در این وضعیت چاره‌ای به جز مذاکره ندارد تا مواد غذایی و سوختی مردم را فراهم کند. دولت حماس باید مدیریت متفاوتی از جنبش حماس داشته باشد تا بتواند هم ایده‌های مقاومتی خود را حفظ کند و هم از این سو معیشت مردم را مدیریت کند.

اما باید به یاد داشته باشیم حماس با ورود به روند انتخاباتی، احتمالاً سرانجام «فتح‌اوی» شدن را داشته باشد. یعنی انتخاباتی را پذیرفتند که اساس و پایه آن روند اسلو است<sup>۱</sup>؛ هرچند حماس می‌گوید که روند اسلو را قبول ندارند.

اما از دیگر سو باید در نظر داشت اسرائیل با جنبشی بر سر میز مذاکره نشسته که تا دیروز آنها را تروریست می‌دانست. اگر کمی به عقب برگردیم می‌بینیم یکی دیگر از تأثیرات انقلاب اسلامی بر فلسطینی‌ها، شکل‌گیری انتفاضه اول بود. در نتیجه انتفاضه اول، اسرائیلی‌ها با جنبش فتح و ساف که تا آن زمان تروریستی قلمدادشان می‌کردند و حاضر به مذاکره با آنها نبودند، به مذاکره نشستند. چراکه اگر با فتح و عرفات کنار نمی‌آمدند، باید با حماس، «شیخ احمد یاسین»<sup>۲</sup> یا «رنتیسی»<sup>۳</sup> کنار می‌آمدند. به عبارتی از ترس به مذاکره با فتح و عرفات نشستند؛ مذاکره امروز آنها با حماس هم از همان زاویه ترس و تهدید اسرائیل قابل تفسیر است.



---

۱- براساس مذاکرات و توافقات اسلو، تشکیلات خودگردان شکل گرفت که دولت، پارلمان و رئیس تشکیلات دارد.

۲. «شیخ احمد یاسین» بنیانگذار جنبش مقاومت اسلامی حماس و ریاست مجمع اسلامی غزه که در تاریخ دوم فروردین ۱۳۸۳ در حمله هوایی بالگردهای رژیم صهیونیستی در غزه به شهادت رسید.

۳. شهید «عبدالعزیز رنتیسی» یکی از رهبران و بنیانگذاران جنبش مقاومت اسلامی حماس که در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۸۳ شمسی در نوار غزه توسط سازمان اطلاعات و امنیت داخلی اسرائیل (شاباک) به شهادت رسید.